

جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان ترکیه با محوریت دیوان هفت شاعر بزرگ علوی

رسول عبداللّٰهی *

ابوالفضل کجاداع **

[تاریخ دریافت: ۹۷/۵/۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۱۱]

چکیده

علویان ترکیه دوازده امامی هستند، امامان دوازده‌گانه شیعیان را می‌پذیرند و اعتقاد راسخ به ائمه معصوم دارند. در واقع اعتقاد دینی علویان بر محور امامت می‌چرخد و جهان‌بینی آنان را رقم می‌زند؛ از این رو با بررسی مباحث امامت می‌توان نقشه اعتقادی علویان را ترسیم کرد؛ چراکه نگاه علویان به امام هستی‌شناسانه است. از نگاه آنان، جهان مخلوق و ماسوی الله با صدور امام از ذات مقدس الهی، به عنوان اول مخلوق، شروع می‌شود و با امام بسط و گسترش می‌یابد، سپس در عالم ادنی علاوه بر نقش تکوینی، نقش تشریحی امام نیز آغاز می‌شود. در این مقاله جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان بررسی می‌شود. در واقع با تبیین جایگاه امام به راحتی می‌توان نظریه امامت از دیدگاه علویان را نیز شناخت و در نتیجه درباره سیستم اعتقادی آنان قضاوت کرد. در بین شخصیت‌های علوی، هفت شاعر بزرگ و مقدس علوی نقش برجسته‌تری در گسترش معارف علوی داشته‌اند و همواره پرنفوذ بوده‌اند. از این رو نظرات آنان محور این پژوهش خواهد بود و با استناد به اشعار این بنیان‌گذاران و مفسران اندیشه علوی‌گری، به شیوه توصیفی و تحلیل محتوایی و روش کتابخانه‌ای، جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان را بررسی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: جایگاه امام، امامت، علویان ترکیه، هفت شاعر بزرگ علوی.

* استادیار گروه کلام و فلسفه جامعه المصطفی‌العالمیه (نویسنده مسئول) malmir.mhr@gmail.com

** دانش‌آموخته دکتری کلام جامعه المصطفی‌العالمیه Ebulfez.kocadag@gmail.com

مقدمه

سرزمین آناتولی تا پیش از ورود ترکان وطن رومیان بوده و دین رایج در آن مسیحیت بوده است. بعد از ورود ترکان، به ویژه پس از پیروزی ترکان در جنگ ملاذگرد در سال ۱۰۷۱م، آناتولی سرزمین ترکان شد و با تغییر بافت جمعیتی، بافت دینی آن نیز تغییر یافت. ترکان آناتولی در واقع ترکمنانی هستند که در اثر تغییرات سیاسی و اجتماعی به ناچار از خراسان بزرگ به سوی آناتولی مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند. ترکمنان خراسان بزرگ تحت تأثیر تبلیغات و فعالیت‌های فرهنگی امامزادگان، تشیع را پذیرفتند. در این گرایش، صوفیه نیز گاه در برخی مناطق نقش داشتند؛ از این رو ترکمنان از شیعیان دوازده امامی با گرایشات صوفیانه بودند. وقتی این ترکمنان به آناتولی کوچ کردند، اعتقادات و گرایشات دینی خود را نیز همراه آوردند؛ به همین دلیل بسیاری از بزرگان و علمای علوی ترکیه منشأ خراسانی دارند. «ارن‌های خراسان» از جمله آنانند که نقش بسزایی در تفکرات دینی و اجتماعی و حتی سیاسی علویان داشتند. ارن‌های خراسان دراویشی هستند که در مدرسه احمد یسوی معارف دینی را با گرایشات صوفیانه آموزش می‌دیدند و برای هدایت مردم به مناطق مختلف سفر می‌کردند.

پس از ورود ترکمنان، سرزمین تبدیل به سرزمینی شد که علویان و اندیشه علوی‌گری در همه عرصه‌های آن نقش اساسی داشته است؛ چراکه یک‌پنجم آناتولی علوی بود و علویان اکثریت قاطع دینی را داشتند. با این حال از آنجا که بیشتر علویان خانه به دوش بودند و از شهرنشینی دوری می‌کردند، قدرت سیاسی آناتولی همیشه در دست اقلیت سنی بوده است.

علویان ترکیه دوازده امامی هستند و امامان دوازده گانه شیعه را می‌پذیرند؛ بنابراین می‌توان آنان را در حوزه اعتقادی، امامیه یا شاخه‌ای از امامیه برشمرد. در اندیشه علویان، مباحث امامت اهمیت ویژه‌ای دارد و در این بحث نیز جایگاه امام و امامت دارای اهمیت بسیاری است. در این مقاله جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان ترکیه بررسی خواهد شد.

تذکر این نکته مفید خواهد بود که علویان و پژوهشگران تا به حال پژوهش مستقلی درباره جایگاه امامت انجام نداده‌اند و در این حوزه با کمبود اطلاعات پژوهشی منظم

روبه روییم و ناگزیریم با توجه به اشعار هفت شاعر بزرگ علوی، که از بنیان گذاران و نظریه پردازان علوی گری در ترکیه محسوب می شوند و در بین علویان جایگاه والایی دارند، به نظریه پردازی دست یازیم و پژوهش علمی منظم و هماهنگی را ارائه دهیم. بنابراین پس از مطالعه و بررسی متون مذکور، نظریه ساماندهی شده‌ای را با ذکر شواهد و ادله متنوع طراحی خواهیم کرد و سیستم اعتقادی هماهنگی را در این حوزه به دست خواهیم داد.

معرفی اجمالی هفت شاعر مقدس علوی

با توجه به اینکه این مقاله با محوریت اندیشه‌های هفت شاعر بزرگ و مقدس علوی نگاشته شده است و در محافل علمی شیعی شناخت وافی و شایسته از این شعرا وجود ندارد، معرفی اجمالی آنان خالی از لطف نیست.

علویان آناتولی در دوره حکومت سلجوقیان آناتولی وضعیت اقتصادی و اجتماعی مناسبی نداشتند و دولت سلجوقی علویان را از مناصب دولتی دور نگه می داشت. آنان زندگی شهری نداشتند و بیشترشان خانه به دوش و کم‌سواد بودند؛ به همین دلیل از طرف دولتمردان تحقیر می شدند. با وجود این مشکلات، فشار مذهبی چندانی بر علویان نبود و آنان در خانقاه‌ها و تکیه‌ها نیازهای دینی خود را برطرف می کردند. از طرف دیگر، خانقاه اردبیل پیوسته داعیانی به آناتولی می فرستاد تا آموزه‌های دینی را برای علویان بازگویند.

علویان بعد از به قدرت رسیدن عثمانی، به ویژه در دوره حکومت یاوز سلطان سلیم، وضعیت اسفناکی داشتند. در این دوره کشتار دسته جمعی علویان و جداسازی شان از جامعه عثمانی در همه ابعاد شروع شد؛ مفتیان دولتی علویان را کافر و کشتنشان را واجب اعلام کردند، علمای علوی کشته شدند، منابع فرهنگی علویان ممنوع اعلام شد، نیروهای دولتی بیشتر منابع را از بین بردند و مدارس و خانقاه‌ها را ویران کردند، علویان برای نجات از خشم نیروهای دولتی به اجبار به کوه‌های صعب العبور پناه بردند.

علویان با تمام مشکلات جانکاهی که داشتند، اعتقادات خود، با محوریت اهل بیت (ع) و آموزه‌های آنان، را رها نکردند؛ هرچند زنده نگاه داشتن اعتقادات و انتقال آن

به نسل‌های بعد، بسیار سخت‌تر شده بود. از این رو برای این کار روش تازه‌ای طراحی کردند: سرودن شعر همراه با نواختن تار.

علویان در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود شعرای زیادی داشته‌اند که در پیشبرد اندیشه علوی‌گری نقش حساسی ایفا کردند؛ ولی بین شعرای نامدار علوی، جایگاه هفت شاعر بزرگ نزد علویان با هیچ شاعر دیگری قابل مقایسه نیست. علویان عنوان «هفت شاعر بزرگ و مقدس علوی» را برای این هفت تن انتخاب کرده‌اند. این هفت شاعر بزرگ و مقدس علوی عبارت‌اند از:

۱. **عمادالدین نسیمی** (م ۸۰۷ق): نام وی علی است (الحلی، ۱۹۲۵: ۱۵-۱۶) و در منابع حروفیه، از جمله شرح *عرش‌نامه* (شرح ۵۰ بیت *عرش‌نامه*، بی‌تا: ش ۱۰۳۴/۲) و *وصیت‌نامه فضل* (گلپینارلی، ۱۹۵۸: ۵۸) با نام سید علی از او یاد شده است.

۲. **فضولی** (م ۱۵۵۶م): او در *مطلع الاعتقاد فی معرفة المبدأ و المعاد* خود را محمد بن سلیمان معرفی می‌کند (فضولی، ۱۳۷۹: ۵۱).

۳. **یمینی بابا**: در نیمه دوم قرن پانزدهم و نیمه نخست قرن شانزدهم میلادی می‌زیسته است.

۴. **شاه اسماعیل خطایی**: وی در سال ۸۹۲ق/۱۴۸۷م در اردبیل متولد شد و در سال ۹۳۰ق/۱۵۲۴م از دنیا رفت.

۵. **ویرانی بابا**: او بین اوایل قرن شانزدهم و نیمه اول قرن هفدهم میلادی می‌زیسته است (Gölpınarlı, 1992: 20).

۶. **پیر سلطان ابدال**: نامش حیدر بود (Bezirci, 2010: 343) و در قرن شانزدهم میلادی می‌زیست (Gölpınarlı, 1969: 6).

۷. **غول همت**: وی در قرن شانزدهم میلادی می‌زیسته است (*Türk Dili ve Edebiyatı*)
(*Ansiklopedisi*, 1982: 434; Cahit Öztelli, 1984: 37-39; Kaya ve Necat, 2015: 197/32).

باید توجه کرد که زندگی این هفت شاعر تقریباً مصادف با قرن شانزدهم میلادی، از دوره‌های دشوار زندگی علویان، بوده است. در آن زمان آنان نیازمند روشی نو برای حفظ و زنده نگاه داشتن اعتقادات خود بودند. این شاعران این روش را یافتند و با سرودن اشعار تعلیمی و آموزه‌ای توانستند اعتقادات اصیل مکتب اهل بیت (ع) را در بین علویان زنده نگاه دارند و به نسل‌های بعد منتقل کنند. بررسی آثار این شاعران، این

امر را به وضوح نشان می‌دهد و اگر آثار آنان را «منظومه‌های حکمی» بنامیم، تعبیر بیجایی نکرده‌ایم.

هفت شاعر بزرگ علوی در سخت‌ترین دوران علویان به یاری آنان شتافتند و با اشعار ماندگار خود علوی‌گری را به شایستگی گسترش دادند و میراث فرهنگی علوی را به نسل‌های بعد منتقل کردند. به همین دلیل در میان علویان تقدس خاصی یافتند و بر نسل‌های بعد از خود تأثیرات بسزایی گذاشتند.

جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان

امامت از مباحث مهم اعتقادی علویان ترکیه است و در واقع اساس علوی‌گری را تشکیل می‌دهد؛ چراکه علویان جهان هستی را بر اساس خلقت نوری امام تفسیر و تبیین می‌کنند و مباحث هستی‌شناسانه و جهان‌بینی خود را بر همین مبنا می‌نهند. از این رو در اندیشه علوی‌گری، جایگاه امام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از مبانی اساسی و بنیادی امامت محسوب می‌شود.

برای فهم جایگاه امام و مقام امامت از منظر علویان ترکیه باید بحث را از خلقت عالم شروع کنیم؛ چراکه از منظر علویان، صدور عالم خلقت و علت فاعلی و غایی آن ارتباط تنگاتنگی با انسان کامل، یعنی امام، دارد. بنابراین مباحث را از خلقت اولیه عالم، یعنی صادر اول و به عبارت دیگر عقل اول و به تعبیر عرفانی حقیقت محمدیه شروع می‌کنیم.

۱. حقیقت محمدیه و خلقت نوری امام

در اندیشه علویان خلقت عالم امکان بر اساس حدیث قدسی معروف «كنت كنزاً مخفياً فأحببت أن أعرّف فخلقتُ الخلق لکی أعرّف» تبیین و توجیه می‌شود (Aslanoglu, 1992: 105-164). توضیح اینکه بر اساس معارف اهل بیت و بالتبع عرفان اسلامی و علوی، خدا بود و هیچ موجود دیگری نبود. خداوند متعال دوست داشت خود را ظاهر کند، بشناساند و خود را در دیگری تماشا کند که در اصطلاح عرفانی استجلا گفته می‌شود. بنابراین حقیقتی را از خود ظاهر کرد که شبیه‌ترین موجود به خودش بود و می‌توانست صفات و اسمای متعالی او را به کامل‌ترین و تمام‌ترین وجه متحمل شود و نشان دهد؛ این حقیقت جز «حقیقت محمدیه» نبود که بر اساس روایات اسلامی، همان حقیقت

محمد (ص) و علی (ع) و به طور کلی حقیقت چهارده معصوم است. خداوند پیش از خلق هر موجود علوی و سفلی حقیقت محمد (ص) و علی (ع) را آفرید و در آن هنگام جز خدا و محمد (ص) و علی (ع) هیچ موجود دیگری نبود. خداوند متعال بقیه موجودات را از حقیقت محمد (ص) و علی (ع) آفرید و به این ترتیب محمد (ص) و علی (ع) تحت ولایت کلیه الهیه، بر تمام موجودات ولایت پیدا کردند.

به صراحت می توان گفت که تمام اندیشمندان علوی چنین تصویری از خلقت عالم دارند و در عالم وجود و خلقت چنین جایگاهی را برای محمد (ص) و خلفای حقیقی او قائل اند. همین تصویر را می توان در کلمات هفت شاعر بزرگ علوی، که از مروجان علوی گری در آتاتولی بوده اند، به وضوح مشاهده کرد. بر اساس این نظریه، امام نخستین موجودی است که از ذات مقدس و منزه خداوند صدور یافته و نزدیک ترین و شبیه ترین موجود به خداوند است و فقط او می تواند به طور حقیقی خلافت الهی را به عهده گیرد؛ به عبارت دیگر، فقط امام می تواند نماینده صفات و اسمای الهی و در نتیجه کارگزار تمام عیار خداوند متعال در کل عالم خلقت باشد. بر اساس این نظرگاه، امام جایگاه خلیفه اللّهی دارد و واسطه فیض بین خداوند و بقیه موجودات عالم است؛ از این رو هم در حوزه تکوین و هم در حوزه تشریح، تدبیر عالم را بر عهده دارد.

در این بخش، با توجه به اهمیت و مبنایی بودن بحث مناسب است که تبیین موضوع را با عنایت به شواهد موجود در اشعار این شاعران بزرگ پی بگیریم.

۱-۱. جایگاه و خلقت نوری امام در اندیشه نسیمی

سید عمادالدین نسیمی در دیوان فارسی و ترکی خود بارها به حدیث «کنت کنزاً مخفياً فأحببت أن أعرف فخلقتُ الخلق لکي أعرف» اشاره کرده و گفته است که کنز مخفی انسان است و جز او لیاقت چنین مقامی را ندارد. دلیلش هم برای اهلش روشن است؛ زیرا با توجه به اینکه انسان دو بُعد حقی و خلقی را با هم دارد، می تواند خداوند را به طور اکمل و اتم ظاهر سازد. عالم حق فقط می تواند اسمای تنزیهی خداوند را نشان دهد و عالم ماده فقط اسمای تشبیهی خداوند را؛ اما انسان تنها موجودی است که می تواند هر دو را با هم نمایان سازد و فقط او می توانست به چنین مقامی برسد. سید نسیمی در این مورد می گوید:

ظهور کنت کنزا را جز این مظهر نمی‌باید بیا ای ساقی باقی که مستان جمالت را
(Nesimi, 2009: 412)

چهره انسان تجلی خدا است ماییم چو عین کنت کنزا
ماییم چو نار و نور و مشکات روح القدسیم و اسم اعظم
روحی که دمیده شد در آدم (Nesimi, 2009: 412)

سید نسیمی در این ابیات و ابیات بسیار دیگر به وضوح بیان می‌کند اول هستی که از ذات مقدس الهی، که نهان است و دست‌نیافتنی (Nesimi, 2009: 412)، ظهور یافت، انسان است. او در ابیات دیوان ترکی، با تأکید بر اینکه سرگنج مخفی انسان است که ظهور یافت، همچنین اشاره می‌کند که انسان با کسب این مقام، آینه کل عالم نیز شده است (Nesimi, 2009: 217). البته نسیمی توجه دارد که منظور از این انسان فقط می‌تواند انسان کامل باشد که نمونه بارز آن محمد (ص) و امام است (Nesimi, 2009: 192, 196).

سید نسیمی در مورد خلقت نوری ختمی مرتب حضرت محمد (ص) می‌گوید: «خداوند حبیبش را از نور خودش آفرید و ما را نیز از نور محمد (ص) و علی (ع) خلق کرد» (A. Celalettin Ulusoy, Psakd.org/yediuluozan). وی با بیانات و تعابیر مختلف، خلقت نوری و در نتیجه منزلت حضرت محمد (ص) در عالم را تبیین می‌کند. این مطالب در اشعار وی بسیار نمایان است (Nesimi, 2009: 196).

سید نسیمی در مورد مقامات باطنی حضرت علی (ع) همان اعتقادات را دارد که در مورد حضرت محمد (ص) دارد و با اشاره به حدیث «لحمک لحمی...» می‌گوید: «کسی که محمد (ص) را از علی (ع) جدا کند بر او لعنت باد:

Kim Muhammed'i Alîden ayırır la'net ana

Lahmike lahmî değil mi yâ Alî senden meded (Nesîmî, 1990:99)

(هر که محمد و علی را جدا کند بر او لعنت

مگر لحمک لحمی نیست یا علی از تو مدد)

همچنین در مورد حضرت علی (ع) می‌گوید که خداوند او را از نور خود آفریده

است و لذا قدرت و سرّ خدا است:

Hak Te'âlâ öz nûrundan hoş yaratmış şâhımı

Kudret ü sırr-ı Hudâsın yâ Alî senden meded (Nesîmî, 1990:99)

(حق تعالی از نور خود آفریده شاه من را قدرت و سرّ خدایی یا علی از تو مدد)

چنانکه مشاهده می‌شود، نسیمی امامت را ضمن ذکر حقیقت امام علی، که ابوالائمہ است، بیان و اذعان می‌کند که امامت مقامی الهی است. او آن را از طرف خداوند متعال می‌داند و به مقام ولایت پیوند می‌زند؛ از این رو کسی که ولایت الهی را نداشته باشد، نمی‌تواند مقام امامت ظاهری را نیز کسب کند. بنابراین به نظر نسیمی، امامت یک مقام تشریفاتی و اعتباری و حتی نسبی نیست، بلکه با حقایق عالم و ملکوت آن پیوند ناگسستنی دارد. وی بر همین اساس امامت بلا فصل علی (ع) بعد از حضرت محمد (ص) را پذیرفته و آن را دستور خداوند متعال تلقی کرده است. بعد از آن حضرت نیز یازده امام از اولاد علی (ع) را به عنوان امامان بشریت پذیرفته است؛ چراکه به نظر وی، امام باید انسان کامل و قطب عالم باشد تا بتواند امامت ظاهری را نیز به دست گیرد. در نظر وی ائمه اثنا عشر این شرایط را دارند.

۲-۱. جایگاه و خلقت نوری امام در اندیشه فضولی

فضولی، همچون دیگر بزرگان اندیشه علوی، در مورد آفرینش و صدور عالم از خداوند متعال نظری مشابه نظر عرفای دین دارد. او در اشعارش تلویحات بسیاری بر این مطلب دارد. او قائل است که حضرت محمد (ص) عالم لاهوت و ناسوت و مثال و بالجمله همه عوالم وجود را طی کرده است؛ در واقع وجود مقدس وی تجلی ذات اقدس الهی است. او بر همین اساس آن وجود مقدس را اول و آخر و ظاهر و باطن می‌داند و معتقد است وقتی ماسوی الله از تشعشعات آن وجود مقدس به شمار می‌آیند، آن حضرت ولایت تکوینی بر عالم را نیز خواهد داشت و همه مسخر اراده وی خواهند بود؛ به تعبیر فضولی، رعد و برق و ابر و باران به حکمش انقیاد خواهند کرد (فضولی، ۱۳۷۴: ۲۴). فضولی تأکید می‌کند که کل عالم تنزل آن وجود پاک است و از این رو قرآن و شریعت و انبیای گذشته، شرح وجود آن در درخشان‌اند و امام نیز در این امر با پیامبر شریک است (همان، ۱۳۷۴: ۲۹۱).

۳-۱. جایگاه و خلقت نوری امام در اندیشه یمینی

یمینی بابا نیز خلقت نوری حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) را مطرح می‌کند و در توضیح چگونگی یکی بودن حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) با اشاره به حدیثی

جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان ترکیه با محوریت دیوان هفت شاعر بزرگ علوی / ۸۱

از پیامبر، می‌گوید: «خیر البشر فرموده است: هر دوی ما از یک نور خلق شدیم» (Yemini, 2002: 196, 360-363).

وی ابیات فراوانی در توضیح حقیقت نوری و خلقت نوری آن دو حضرت سروده و در آنها به برخی از احادیث اشاراتی کرده است؛ برای نمونه:
محمد مصطفی نور خدا است

گمان نکن علی از آن جدا است (Yemini, 2002: 188-196, 72-90)

وی در این باره نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «كنت انا و علی بین یدی اللّٰه قبل ان یخلق آدم باربعة عشر الف عام فلها خلق اللّٰه تعالی آدم نقل ذلك النور الی صلبه فلم یزل بنقله...». در ادامه نیز باز از پیامبر چنین نقل می‌کند:

خداوند قبل از اینکه زمین و آسمان و آدم را بیافریند، اول نور مرا آفرید و آن را دو نصف کرد که اسم یکی شد محمد. حق تعالی از آن نور سماوات هفت‌گانه را آفرید و قسم دوم آن علی شد که منبع نور ولی است و زمین هفت‌گانه را از او آفرید و به همین دلیل اسم علی ابوتراب شد؛ آن نورها الان نیز یکی است (Yemini, 2002: 360-363).

یمینی در ابیاتی نیز انتقال نسل به نسل این نور را بیان می‌کند و اجداد پاک آن حضرات را یکی پس از دیگری نام می‌برد (Yemini, 2002:111).

یمینی به صراحت می‌گوید که نور محمد (ص) نور نبوت است و نور علی (ع) نور ولایت. مقصود از خلقت در واقع ظهور نور نبوت و ولایت بود که با ظهور این دو نور، مقصود محقق شد (Yemini, 2002: 111). بر این اساس، این نور در هر وجودی که ظاهر شود، خلیفه خداوند متعال بر زمین خواهد بود؛ چون این نور در واقع تجلی ذات اقدس الهی است و خداوند با این نور ولایت خود را بر زمین ساری و جاری می‌کند. بنابراین پیامبران و ائمه واسطه فیض بین خداوند و زمین هستند.

۴-۱. جایگاه و خلقت نوری امام در اندیشه خطایی

«خطایی» نیز در اشعار خود فراوان به خلقت نوری امام و حقیقت محمدیه اشاره می‌کند و همچون دیگر بزرگان علوی، این مقام والای امامت را بر امام علی (ع) تطبیق می‌دهد.

خطایی در اشعارش تعبیر بسیاری درباره مقامات نوری امام علی (ع) نیز به کار برده است که برخی از آنها را فقط ذکر می‌کنیم:

علی شاه مظهر خدا است، ذات او مظهر خدا است، او جدای از حق نیست (Aslanoğlu, 1992: 162, 267-270).

سرّ هدایت و ولایت است؛ در تو است اسم اعظم، در تو دیده شد روح آدم، نور زمین و آسمان، مقصود کن فکان، جان جهان و بلکه جان جانان هستی، آگاه از کارهای بندگان، تو عام و خاص را خلق کردی، نور خدا و چراغ عالم (Aslanoğlu, 1992: 157, 271).

خالق زمین و آسمان و ملائک و آدم، بهتر از انبیا، همیشه همدم با خدا، در سرّ خود با محمد محرم شده، با ظهور صفت آدم شده، در اول و آخر خاتم شده، آنکه سرّ ولایت را ظهور داده، حکمش صبح و نهار می‌چرخد، زمین و آسمان با کلام او قرار گرفته است، نوح را از غرق شدن در آب نجات داد، به ایوب شفا داد، یعقوب را از غم نجات داد (Aslanoğlu, 1992: 157, 271).

سخنت بیان حق و خودت نشان حق هستی؛ گرچه در ظاهر به صورت بشر هستی، روا نیست که به تو انسان گفته شود. کنه حقیقت تو را کسی ندانست و تو را باید از تو سؤال کرد. عین کائنات است و سرّ او را خدا می‌داند (Aslanoğlu, 1992: 157, 271).

خطایی در مورد امام علی حدیث قدسی «لولاک لما خلقت الافلاک» را مطرح می‌کند (Aslanoğlu, 1992: 157, 271) و فلسفه خلقت عالم را به وجود مبارک آن حضرت ربط می‌دهد که آن نیز مربوط به خلقت نوری آن حضرت است؛ او می‌گوید: «بدانید که ظاهر آنان دوازده امام است، ولیک باطن آنان نور خدا است» (Aslanoğlu, 1992: 157, 271).

۱-۵. جایگاه و خلقت نوری امام در اندیشه ویرانی

ویرانی بابا نیز جهان‌بینی خود را بر اندیشه انسان کامل پایه‌ریزی می‌کند و اعتقاد دارد که شناخت حق تعالی واجب و راه آن شناخت نفس است (Atalay, 1998: 274)؛ یعنی همان شناخت انسان که در حدیث پیامبر تجلی کرده است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (Virani Baba, 2012: 113). وی می‌گوید که حق تعالی فرمود: «هر که طالب من است، از نفس خود طلب کند» (Atalay, 1998: 274).

بر این اساس، راه شناخت خدا انسان است؛ چون انسان جمال خدا است (Ibid: 283) و اسمای حق (Ibid: 287) در او تجلی کرده است (Ibid: 287). ویرانی این مقام والای الهی را که برای انسان ترسیم شده، بر محمد (ص) و علی (ع) منطبق می‌کند و آن دو حضرت را در قله انسانیت و کمالات انسانی می‌داند.

به اعتقاد ویرانی بابا، خداوند هیچ ظهوری نداشت و چون به ذات خویش عشق می‌ورزید، دوست داشت ظهور یابد، از این رو نور محمد (ص) و علی (ع) را آفرید که یک نور بیشتر نبود (Ibid: 200) و آن اول وجودی بود که از خداوند متعال صادر شد (Ibid: 149). تمام عشق‌های واقعی به این عشق و محبت ذاتی حق تعالی برمی‌گردد. عشق به محمد(ص) و آل او نیز بر همین اساس تبیین و توجیه می‌شود؛ بر همین اساس، راه شناخت خدا تنها از طریق شناخت محمد (ص) و علی (ع) و آل علی میسر است و هیچ راه دیگری ندارد. البته در اندیشه ویرانی، چهارده معصوم همه نور واحد و یک حقیقت الهی بوده‌اند (Ibid: 165) که در قالب‌های متفاوت ظهور یافته‌اند. آن دو ذات مقدس و دیگر امامان مظهر خداوند متعال‌اند و چون خداوند فقط از طریق مظهرش قابل شناخت است، هر که محمد (ص) و علی (ع) را شناخت، خدا را شناخته است (Ibid: 61).

۶-۱. جایگاه و خلقت نوری امام در اندیشه پیر سلطان

پیر سلطان اعتقاد خود درباره امامت را بر مبنای اندیشه انسان کامل و مقام خلیفة‌اللہی انسان بنا کرده و این مقامات را بر وجود مبارک حضرت محمد و ائمه اطهار تطبیق داده است؛ از این رو جایگاه امامت را از منظر وی نیز باید بر اساس این مبنا توجیه و تحلیل کرد.

پیر سلطان به خلقت نوری محمد و علی (Ibid: 308) (ع) تصریح می‌کند و می‌گوید: «خداوند محمد (ص) و علی (ع) را از نور خود آفرید» (Bezirci, 2010:184, 328). بنا بر این معتقد است که محمد (ص) و علی (ع) و سایر ائمه معصوم ازلی و ابدی‌اند، در ظاهر و باطن حضور فعال و همه‌جانبه دارند (Ibid: 240)، در واقع همه جا و در همه چیز حضور دارند (Ibid: 190; Boratav, 1391: 131) و اول و آخرند (Boratav, 1391: 149).

۱-۷. جایگاه و خلقت نوری امام در اندیشه غول همت

غول همت با اعتقاد به خلقت نوری محمد (ص) و علی (ع) قائل است که خلقت آنان پیش از خلقت عالم بوده و عالم بر این بنیان پی ریزی شده است (Özmen, 1995: 2/331). وی بر همین اساس معتقد است که وجود عالم متکی بر وجود حقیقت محمدیه است که فرد بارز آن نیز امام است (Çoban, 1997:114).

با توجه به سخنان بزرگان علوی روشن می شود که در اندیشه علویان، امامت بر مبنای نظریه انسان کامل شکل گرفته است. این بزرگان اذعان کرده اند که انسان کامل جانشین خداوند بر تمام عالم است. همچنین امام جایگاه انسان کامل را دارد و به نیابت از خداوند در تمام عالم تصرف می کند و سرپرستی و حفظ تمام عالم خلقت را بر عهده دارد. امام در واقع نماینده و تجلی گاه همه اسما و صفات خداوند متعال است. امامت ظاهری نیز یکی از شئون این خلافت و ولایت است و در واقع ریاست ظاهری امام قسمتی از ریاست باطنی او به شمار می رود. این مقام خلافت الهی را خداوند از ابتدای خلقت عالم برای ائمه اطهار مقدر کرده است.

۲. حقیقت محمدیه و خلقت نوری امام در احادیث

تمام مواردی که از اندیشمندان تراز اول اندیشه علوی در مورد جایگاه امام نقل شد، برگرفته از معارف روایی موجود در منابع اسلامی است و از پیامبر اسلام و اهل بیت پاکش نقل شده است. در مجامع حدیثی شیعه و همچنین اهل سنت (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ج ۴۲/۶۷) روایات بسیاری درباره خلقت نوری اهل بیت وارد شده است که برای روشن شدن سرچشمه اندیشه های علویان در این موضوع، برخی از این روایات را می آوریم.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

اول ما خلق الله نوری و نور اهل بیتی (کاشفی سبزواری، ش ۷۲۴۹).

در روایتی دیگر پیامبر اکرم می فرماید:

من و علی در پیشگاه خداوند نور واحدی بودیم، در حالی که مطیع بودیم. این نور، چهار هزار سال قبل از اینکه خداوند آدم را خلق کند، او را تسبیح

جایگاه امام و امامت از دیدگاه علویان ترکیه با محوریت دیوان هفت شاعر بزرگ علوی / ۸۵

می‌گفت و تقدیس می‌کرد. سپس هنگامی که خدا آدم را خلق کرد، این نور را در صلبش قرار داد. این نور همان‌گونه شیء واحدی بود تا اینکه در صلب عبدالمطلب دو جزء شد؛ جزئی من بودم و جزء دیگر علی بود (ر.ک: ابن عساکر، ۱۳۴۳: ج ۴۲/۶۷؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳: ج ۶۶۲/۲؛ ابن شهردار، ۱۴۰۶: ۲۸۳/۳؛ عاصمی، ۱۴۱۹: ج ۳/۶۷).

پیامبر اکرم در حدیث قدسی از خداوند متعال می‌فرماید:

تحقیقاً من تو و علی و فاطمه و حسن و حسین را از شیخ و سایه نور خلق کردم. سپس ولایت شما را بر ملائکه و سایر مخلوقاتم، در حالی که روح بودند، عرضه کردم؛ پس هر کس ولایت شما را پذیرفت، نزد من از مقربان به شمار آمد و هرکس انکارشان کرد، از کافران شد (مجلسی، ۱۹۷۲: ۳۰۷/۲۶، ج ۷).

روایات این موضوع بسیار است که در این مختصر نمی‌گنجد و برای آشنایی بیشتر باید به مجامع حدیثی مراجعه کرد (مجلسی، ۱۹۷۲: ج ۱۵/۹؛ کلینی، ۱۳۶۲: ج ۴۴۱/۱؛ صدوق، ۱۴۰۴: ج ۲۰۹/۱).

در برخی از روایات، انوار حضرات معصوم مدبر و واسطه در خلق موجودات دیگر معرفی شده‌اند؛ برای مثال، در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که خداوند بعد از خلق نور پیامبر (ص) و انوار حضرت فاطمه (س) و ائمه معصوم، عرش را از نور پیامبر، ملائکه را از نور امیرالمؤمنین (ع)، آسمان‌ها و زمین را از نور حضرت فاطمه (س)، خورشید و ماه را از نور امام حسن (ع) و بهشت و حورالعین را از نور امام حسین (ع) آفرید (مجلسی، ۱۹۷۲: ۱۹۲/۵۴، ج ۱۳۹).

البته باید توجه داشت که علویان با اینکه مقامات بسیار والایی برای اهل بیت قائل‌اند، آنان را به مقام خدایی نمی‌رسانند، بلکه آنان را بندگان مقرب ذات اقدس الهی می‌دانند. خود معصومان نیز با تمام عظمتی که دارند، همیشه به بندگی خود اقرار کرده‌اند و هر چه دارند را از خدا و ملک او دانسته‌اند؛ چنانکه امام علی (ع) در روایتی به این امر اشاره کرده است (مجلسی، ۱۹۷۲: ج ۲۶/۱، ح ۱).

دیدگاه کلی علویان در مورد جایگاه امام و امامت

دیدگاه هفت شاعر علوی درباره جایگاه امام و امامت را بیان و احادیثی را در این باره نقل کردیم. حال با توجه به مباحث مزبور، نظر کلی علویان در این باره را بررسی می‌کنیم و نکاتی را متذکر می‌شویم. نظراتی که از شعرای بزرگ علوی درباره مقامات الهی و جایگاه معنوی امامان ذکر کردیم، از نظر معارف عرفانی و اسلامی هیچ مشکلی ندارند و همه حضرات ائمه با توجه به مقام نورانیشان این مقامات را دارند و به سبب همین مقام شایستگی مقام خلافت را یافته‌اند.

نکته‌ای که باید مورد توجه اساسی قرار بگیرد این است که چون علویان اعتقاد راسخ به مقام نورانیت ائمه طاهر داشته‌اند، بسیاری از سخنانشان ناظر به این مقام است و ربطی به خلقت جسمانی آن بزرگواران ندارد. بنابراین در بررسی آثار علویان باید به این امر مهم توجه کنیم، وگرنه درباره آنان قضاوتی نابجا و ناحق خواهیم داشت؛ چنانکه اهل سنت دچار این اشتباه شدند و به دلیل کج‌فهمی، اتهامات ناروا و نادرست بسیاری را به آنان بستند و جنایات وحشتناکی را، به نام دین و اسلام، در مورد آنان مرتکب شدند.

این امر در بسیاری از احادیث پیامبر و ائمه دین صادق است؛ برای مثال پیامبر اکرم (ص) به امام علی فرمود: «كُنْتُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ سِرًّا وَمَعِيَ جَهْرًا» (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۶۷/۷). پیامبر همچنین (ص) فرمود: «بَعَثَ اللَّهُ عَلِيًّا مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ سِرًّا وَمَعِيَ جَهْرًا» (آملی، ۱۳۶۸: ۱۹۶). سرّ فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین چیست که «علی (ع) در همه چیز و با همه چیز حاضر بوده و حتی قبل از خلقت جسمی و در عوالم ملکوتی حضور فعال داشته است»؟

راز این مطلب در مقام انسان کامل در عالم هستی است. توضیح اینکه یکی از موضوعاتی که در عرفان بحث و بررسی می‌شود، جایگاه و نقش انسان کامل در نظام هستی است. انسان کامل نخستین وجود صادر شده از خداوند متعال و از نظر خصوصیات وجودی، شبیه‌ترین موجود به خداوند است و در انتشار کثرات از وجود احدی نقش اساسی دارد. انسان کامل از خداوند صدور یافته و موجودات دیگر به واسطه انسان کامل وجود یافته‌اند. این خلقت امری حقیقی و وجودی است، نه اعتباری؛ از این رو انسان کامل جهت حقانی و خلقی پیدا می‌کند، از حیث وجودی در

همه مراحل وجودی حاضر و ساری است و با همه موجودات عالم معیت قیومی دارد. به همین جهت است که انسان کامل بر ماسوی الله ولایت دارد و مدبر عالم است. ابن عربی این مطلب را چنین بیان کرده است: «فهو عبد لله، رب بالنسبة الى العالم و لذلك جعله خليفة و ابناؤه خلفاء».

بر این اساس، انسان کامل واسطه فیض بین حق و خلق است و بدون وجود و حضور احاطی آن استمرار عالم امکان ندارد (فضولی، ۱۳۷۴: ۱۶۷). به عبارت دیگر، با توجه به مباحثی که در عرفان اسلامی مطرح شده، انسان مظهر تام اسم جامع الله است و اسم جامع الله هم در مرحله اندماج و هم در مرحله انبساط وجود سریان دارد؛ از این رو در مرحله اندماج، حقایق همه موجودات در ذات انسان کامل مندمج‌اند و در مرحله انبساط نیز انسان کامل سریان دارد تا برسد به عالم ماده. بر این اساس، امام علی (ع) که صاحب ولایت مطلقه است، در باطن با همه افراد همراه و شاهد اعمال همگان است، بلکه با همه چیز همراهی دارد؛ معیتی که جلوه‌ای از معیت قیومی خدای تعالی است (ر.ک: دهداری شیرازی، بی تا: ۸۵-۸۶؛ امام خمینی، ۱۳۷۶: ۷۷؛ آشتیانی، ۱۳۷۰: ۶۶۹-۶۷۰). اگر انبیا و اولیا این مقام را نداشته باشند، هیچ معجزه و کرامتی از آنها صادر نخواهد شد؛ مقام خلافت را نیز از این مقام دارند (سعادت‌پور، بی تا: ۲۷). امام علی (ع) می‌فرماید: «شناخت من همان شناخت خدا است و شناخت خدا همان شناخت من است؛ چون این مقام بالاترین تجلی خداوند و نزدیک‌ترین مرتبه به خداوند متعال است که همه مراتب هستی بعد از این مرتبه به وجود آمده‌اند».

بنابراین هنگام طرح مسئله امامت از منظر علویان، باید توجه داشته باشیم که امامت در اندیشه آنان چنین جایگاهی دارد و امامت ظاهری اهل بیت از چنین پشتوانه باطنی برخوردار است. در اندیشه علوی بیش از رهبری ظاهری دینی و سیاسی امامان، به مقامات معنوی و باطنی آنان توجه شده است. در واقع نگاه علویان به مسئله امامت هستی‌شناسانه است، نه یک امر اعتباری یا اعتقادی صرف. از منظر علویان، مسئله امامت به یقین یک مسئله فقهی نیست؛ چون اعتباری نیست. امامت با نظام هستی پیوند خورده است و با توجه به سیر وجودی عالم امکان، از هنگام صدور از ذات مقدس خداوند تا مراحل بعد، هیچ کس دیگر چنین لیاقتی را نداشته و نخواهد داشت. همچنین نصب الهی امامان به سبب جایگاه آنان در نظام هستی است و چنین نیست که

ممکن بوده باشد که خداوند به جای آنان کسان دیگری را نصب کند؛ در واقع، نصب الهی ظهور جایگاه و ولایت آنان در بین همه موجودات، از انسان گرفته تا ملائک (فضولی، ۱۳۷۴: ۱۷۷) و جن و دیگر موجودات عالم، و فقط اظهار مقام موجود بوده است، وگرنه خداوند متعال بر خلاف قوانین هستی که خود ایجاد کرده است، عمل نمی‌کند. امامان مجاری فیض خداوند هستند و در عالم وجود غیر از آنان دیگرانی وجود ندارند که بتوانند عهده‌دار چنین مقامی شوند. بر این اساس، ولایت ائمه باطن امامت ظاهری آن بزرگواران است و کسی که چنین ولایتی را نداشته باشد، سزاوار امامت و خلافت ظاهری نیز نخواهد بود؛ به همین سبب است که حقیقت محمدیه ائمه اطهار در همه زمان‌ها و با همه پیامبران بوده است.

۳. امامان در اندیشه علوی

بر اساس اندیشه علوی، امامت و خلافت بعد از رسول انتصابی است و خود رسول نیز حق دخالت در این امر را ندارد و فقط خداوند متعال می‌تواند خلیفه رسول را تعیین و نصب کند و این فضل خداوند بر بندگان است (فضولی، ۱۳۷۴: ۲۳۴). از منظر تمام علویان، امامان و خلفای بعد از رسول دوازده نفر از اهل بیت آن حضرت هستند که عبارت‌اند از: امام علی، امام حسن، امام حسین، امام زین‌العابدین، امام باقر، امام جعفر صادق، امام موسی کاظم، امام رضا، امام محمد تقی، امام علی نقی، امام حسن عسکری و امام محمد مهدی که صاحب زمان نیز گفته می‌شود (Kaya ve necat, 2015: 191).

یمنی در بیان حادثه غدیر می‌گوید که پیامبر، امام علی و یازده اولاد او را با ذکر اسم یکایک آنان، امامان بعد خود اعلام کرد: «امام اول علی است؛ هر خدمتی که برای من انجام می‌دهید برای او نیز انجام دهید. امامت برای دوازده نفر داده شده است که عبارت‌اند: علی، حسن، حسین، زین‌العابدین، باقر، جعفر، کاظم، موسی، تقی، عسکری، مهدی. اینها به ترتیب به جای دیگری می‌آیند و بر اساس فرمان اینان با دین پیمان بندید» (Yemini, 2002: 512).

اسامی ائمه دوازده‌گانه نزد تمام علویان یکسان است و در این مورد هیچ اختلافی وجود ندارد. ذکر اسامی ائمه در متون علوی، مثل یک عبادت، همیشه تکرار می‌شود و مورد مدح و تمجید قرار می‌گیرد. برای نمونه در کتاب بویروک اسامی ائمه چنین ذکر

شده است: «علی المرتضی، اولاد اسدالله شبر و شبیر، امام زین العابدین سرور دین، محمدباقر، امام جعفر، امام موسی کاظم، علی بن موسی الرضا، شاه تقی، علی نقی، حسن عسکری، امام محمد مهدی صاحب زمان» (Atalay, 2011: 190).
در کتاب *بویروک امام جعفر صادق* با اینکه در جاهای مختلف، اسامی ائمه را ذکر می‌کند، فقط در یک جا به جای اسم امام حسن و امام حسین می‌گوید دو پسر اسدالله شبر و شبیر؛ دلیل آن نیز احادیثی است که در متون حدیثی شیعه و اهل سنت آمده است.

۱-۳. امام مهدی (عج) در اندیشه علویان

در تمام ادیان سماوی و مکاتب بزرگ جهانی، اعتقاد به ظهور منجی آخر زمان که بشریت را از ظلم ظالمان نجات خواهد داد، در عالم عدل و داد برقرار خواهد کرد و مدینه فاضله جهانی را تشکیل خواهد داد، از آموزه‌های اصلی امیدبخش بوده است. تمام مذاهب اسلامی با هر گرایشی، ظهور منجی بشریت را در آخر زمان قبول دارند؛ اما در بین مذاهب اسلامی، علویان و شیعیان بر ظهور مهدی منجی بشریت تأکید بیشتری کرده‌اند. این امر در متون دینی آنان ظهور و بروز بیشتری یافته و انتظار فرج از عبادات بزرگ و مقدس شمرده شده است.

به طور قاطع می‌توان گفت که دیدگاه علویان درباره امام مهدی (عج) با شیعیان کاملاً یکسان است و مشخص است که هر دو مکتب از یک منبع بهره برده‌اند. برای روشن شدن صلابت و حقانیت این ادعا کافی است نگاهی گذرا به نظرات بزرگان و اندیشمندان تراز اول مکتب علوی داشته باشیم.

تمام بزرگان علوی قائل به مهدویت هستند و در همه منابع علوی، سلسله امامت در امام دوازدهم، امام مهدی، خاتمه می‌یابد؛ چنانکه فضولی پس از ذکر اسامی ائمه می‌گوید که سلسله امامت در امام مهدی تمام می‌شود (Fuzuli, 1995: 567).

از دیدگاه هر هفت شاعر بزرگ علوی نام امام آخر محمد مهدی (Fuzuli, 1995: 595-596) و فرزند حسن، امام یازدهم، است (Atalay, 1998: 175; Gölpınarlı, 2005: xx). او ظهور می‌کند تا عالمی که پر از ظلم و کفر شده را پر از عدل کند (Nesimi, 1990: 74, 100, 223). او غایب از چشمان مردم است، ولی هدایتگری و انتفاع بردن عالم وجود از

نور ایشان مستمر است (Kürkçüoğlu, 1985: 352). علت غیبت او سوء قصد دشمنان به جان وی است (Kürkçüoğlu, 1985: 352; Atalay, 1998: 175). او در آخر الزمان قائم مقام است (Atalay, 1998: 265, 405) و حکمش بر جهان جاری خواهد شد. در آن دوره صاحب زمان سرور خواهد شد و اولاد حیدر عزت خواهند یافت، منافقان زیر پا له خواهند شد و شک و گمان از بین خواهد رفت (Ergun, 1956: 161; Aslanoğlu, 1992: 126, 175, 245)، زمانه به کمال خود خواهد رسید و در آخر حضرت را پنهانی شهید خواهند کرد (Ergun, 1956: 260).

چنانکه مشاهده می‌شود، هر هفت شاعر بزرگ علوی به وجود امام مهدی اعتقاد راسخ دارند و با توجه به میزان اشعاری که در این باره سروده‌اند، معلوم می‌شود که اندیشه آنان با اندیشه تشیع در این باره یکسان است و هیچ خلافتی مشاهده نمی‌شود.

منابع

- آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۰ش)، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم.
- آملی، سید حیدر (۱۳۶۸)، المقدمات من کتاب نص النصوص، تهران: انتشارات توس.
- امام خمینی (۱۳۷۶ش)، مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية، محقق و مصحح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- الحلبی، ابوذر احمد بن برهان‌الدین، کنوز الذهب فی تاریخ حلب، نسخه کتابخانه تیمور پاشا مصری در قاهره، به نقل از: الحلبي محمد راغب الطباخ (۱۹۲۵)، اعلام النبلاء به تاریخ حلب الشهداء، حلب: مطبعة العلیمه، الجزء الثالث، ص ۱۵ و ۱۶، به نقل از جلالی پندری، زندگی و اشعار عمادالدین نسیمی.
- ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، فضائل الصحابة، تحقیق وصی الله محمد عباس، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول.
- ابن شهردار، شیرویه (إلکیا) (۱۴۰۶ق)، الفردوس بمأثور الخطاب، تحقیق: سعید بن بسیونی زغلول بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله (۱۹۹۵م)، تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمائل، تحقیق: محب‌الدین ابی سعید عمر بن غرامة العمری، بیروت: دار الفکر.
- سعادت پرور، علی (بی تا)، جلوه نور، تهران: انتشارات احیای کتاب، چاپ ششم.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، بیروت: مؤسسة الاعلمی، چاپ اول.

شرح ۵۰ بیت عرش‌نامه، نسخه خطی کتابخانه ملت ترکیه، ش ۱۰۳۴/۲. عاصمی، عبدالملک بن حسین مکی (۱۴۱۹ق)، *سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائیل والتوالی*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیة. فضولی، محمد بن سلیمان (۱۳۷۴)، *دیوان فارسی*، تهیه کننده حسیه مازی اوغلی، تهران: بهارستان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فضولی، محمد بن سلیمان (۱۳۷۹ش)، *مطلع الاعتقاد فی معرفه المبدأ و المعاد*، ترجمه و تحقیق دکتر عطاءالله حسنی، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، تهران: اسلامیه، چاپ دوم. کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۴۲۳ق)، *زبده التفاسیر*، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول. کاشفی سبزواری، صفی‌الدین علی (بی تا)، *انیس العارفین*، نسخه دست‌نوشته کتابخانه مجلس، شماره ۷۲۴۹.

گلپینارلی، عبدالباقی (۱۹۵۸)، «وصیت‌نامه فضل‌الله حروفی»، نشریه شرقیات، ش ۲، استانبول مجلسی، محمدباقر (۱۹۷۲)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.

Aslanoğlu, İbrahim (1992), *Şah İsmail Hatayi*, İstanbul: Der Yayınları.

Atalay, Ali Adil (1998), *Virani Divanı ve Rislesi*, Can Yayınları.

Atalay, Ali Adil (2011), *İmam Cafer-i Sadık Buyruğu*, s. İstanbul: Can Yayınları.

Bezirci, Asım (2010), *Pir Sultan*, İstanbul: Evrensel Basım Yayın.

Boratav, Pertev Naili (1991), *Pir Sultan Abdal*, İstanbul: Der Yayınları.

Çoban, İrfan (1997), *Kul Himmet, Görümlü Köyü Kul Himmet Sevgi ve Dostluk Derneği*, Tokat.

Ekinci, Doç. Dr. Mustafa (2010), *Şah İsmail ve İnanç Dünyası*, İstanbul: Beyan Yayınları.

Ergun, Sadeddin Nüzhet (1956), *Hatayi Divanı*, İstanbul: Maarif Kitaphanesi, 2. Baskı.

Fuzuli, Muhammed bin Süleyman (1955), *Saadete Ermişlerin Bahçesi* (Hadikatu's- Sueda), İstanbul: Maarif Kitaphanesi, 7. Baskı.

Gölpınarlı, Abdülbaki (1992), *Alevi-Bektaşî Nefesleri*, İstanbul: İnkılap Yayınları.

Gölpınarlı, Abdülbaki (2005), *Fuzuli Divanı*, s.XX, İstanbul İnkılap Yayınları, 5. baskı.

Kaya, Hasan ve Çetin, Necat (2015), "Kul Himmet'in Bir Mecmuada Yer Alan 50 Şiiri", *Uluslar arası Sosyal Araştırmalar Dergisi*, Cilt: 8, Sayı: 37, Nisan, www.sosyalarastirmalar.com.

Kürkçüoğlu, Kemal Edip (1985), *Seyyid Nesîmî Dîvanı'ndan Seçmeler*, Kültür ve Turizm Bakanlığı Yayınları.

Nesimi, İmadeddin (2009), *Seyyid Nesimi Divanı*, Hazırlayan: Atalay Adil Ali, Çevirenler: Shahram Bahadori Gharache ve Seyyid Hüsamettin Aydın, İstanbul: Can Yayınları.

Nesîmî (1990), *Seyyid İmâdeddîn Nesîmî Divanı*, hazırlayan: Hüseyin Ayan, Ankara.

Özmen, İsmail (1995), *Alevi-Bektaşî Şiirleri Antolojisi*, Saypa Yan, Ankara.

Öztelli, Cahit (1984), *Pir Sultan'ın Dostları*, Özgür. Yay.

Türk Dili ve Edebiyatı Ansiklopedisi (1982), İstanbul: Dergâh Yayınları.

Ulusoy, A. Celalettin (N.D), *Yedi Ulular*, Psakd.org / yediuluozan.

Virani Baba (2012), *İlm-I Cavidan*, Hazırlayan: Doç. Dr. Osman Eğri, Ankara TDV Yayınları.

Yemini, Derviş Muhammed (2002), *Faziletname*, hazırlayan: Dr. Yusuf Tepeli, Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları.